

## مخاطبان گرامی؛

از این شماره با شما به استانهای مختلف کشور سفر خواهیم کرد و از نزدیک در جریان فعالیت های امورتربیتی استان قرار خواهیم گرفت. امیدواریم تجربه های تلخ و شیرین همکاران شما در استانهای مختلف ره توشه ای برای بیمودن مسیر پر پیچ و خم تعلیم و تربیت باشد. از برادران و خواهرانی که طی این مجموعه مصاحبه ها با ما همکاری می کنند، صمیمانه سپاسگزاریم.

«دفتر ماهنامه تربیت»

قسمت اول



# گشت و گذاری در خبرها و نظرها

زیر نظر: حسین قامت

این شماره: مصاحبه با معاون پرورشی  
اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان

در اولین قسمت از مجموعه «گشت و گذاری در خبرها و نظرها» توجه خوانندگان گرامی را به سخنان برادر جبار رضایی معاون پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان جلب می کنیم که پیرامون تاریخچه فعالیت و اقدامات امورتربیتی در این استان چنین فرمودند:

در شروع گفتگو بجاست مراتب تشکر خود را از برادرانی که از دفتر ماهنامه تربیت به این منطقه محروم تشریف آورده اند ابراز نمایم و امیدوارم موفق شوند در این استان

اشاره:

استان کردستان با مساحتی در حدود ۲۴۹۹۸ کیلومتر مربع، در غرب کشور ایران واقع شده است. این استان از شمال به آذربایجان غربی و قسمتی از زنجان، از مشرق به همدان و قسمتی از زنجان، از جنوب به باختران و از مغرب به کشور عراق محدود می شود.

مرکز استان کردستان شهر سنندج بوده و سایر شهرهای آن عبارتند از: بانه، بیجار، سقز، قروه، و میوان.

جمعیت استان را در سال ۱۳۶۵ به ۱۰۹۱۰۶۴ نفر تخمین زده اند که ۴۳۱۶۶۲ نفر آن را جمعیت شهری و ۶۵۹۴۰۲ نفر آن را جمعیت روستایی تشکیل می دهد.

زبان و خط رسمی استان، فارسی بوده و مردم به زبان کردی محاوره ای با یکدیگر سخن می گویند. مذهب مردم کردستان جز در شهرهای بیجار و قروه که غالباً شیعه هستند، شافعی می باشد و شیوه غالب تولید را در استان، کشاورزی و دامپروری تشکیل می دهد.

همچنین مشاغل تجاری، پیشه وری، اداری و خدماتی نیز در این استان دارای اهمیت می باشد. اما فعالیت در بخش صنعت رونق چندانی ندارد.

نژاد مردم کرد آریایی است و آنچه مسلم است کردها از قدیمی ترین نژاد آریایی بوده اند.

استان کردستان بطور کلی دارای آب و هوای معتدل بوده و نواحی کوهستانی و دشتهای مرتفع آن دارای زمستانهای بسیار سرد می باشد.

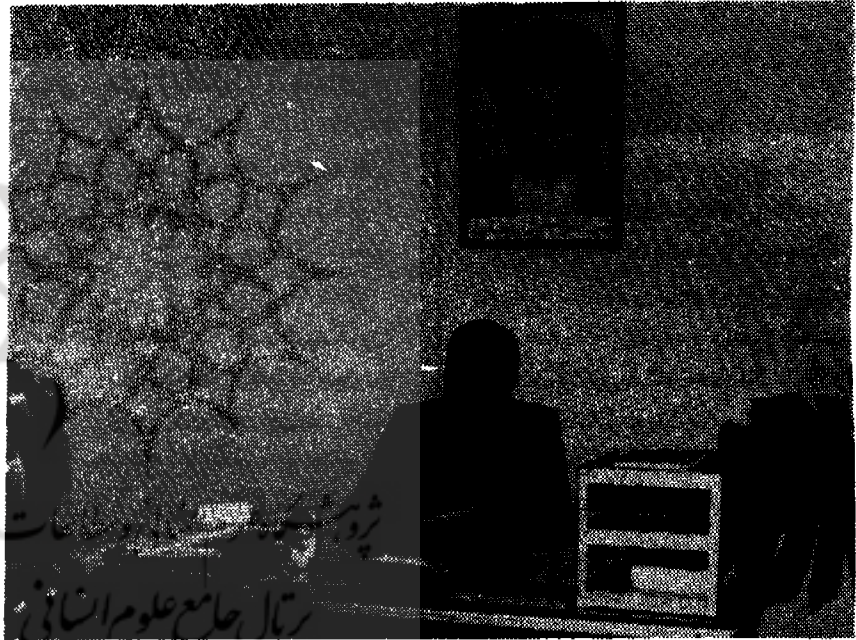
## \* روحیات و فرهنگ و حتی مذهب اهل تسنن نه تنها تعارضی با انقلاب و اسلام ندارد که می‌تواند بستری باشد که ارزشهای حکومت اسلامی در آن رشد کند و نمو یابد.

خود بحث مفصلی است که ما در یک سری نوار سیر این قضایا را بیان کرده‌ایم که تا حدی گویای واقعیات این استان است. به‌صورت مدارس ما به گونه‌ای بود که حتی اداره آنها کار مشکلی بود چه رسد به اینکه بتوانیم در مدارس فعالیت فرهنگی داشته باشیم. ما در آن فضا کار را شروع کردیم و با برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود را منسجم نمودیم. محور برنامه‌های ما در آن روزها این بود که مربی ما به مدرسه برود، اما دستش را نگیرند، از مدرسه بیرونش نکنند و او را نزنند. شاید جز دوستانی که بسیاری از آنان شهید شدند - خداوند غریق رحمتشان کند - و بعضی دیگرشان که در سنگرهای دیگر به خدمت مشغولند، کسی نداند که چه زحمتهایی برای دانش‌آموزان این استان کشیده شده است. شب‌ها تا پاسی از شب در جلساتی ممتد راجع به تک تک مدارس برنامه‌ریزی می‌کردیم تا بتوانیم فعالیت‌های فرهنگی خود را در راستای انقلاب و اسلام توسعه دهیم. اما در مقابل، روحیه بی‌اعتمادی نسبت به نیروهای جمهوری اسلامی بر جان و روان مردم آن دوران حاکم بود.

در ذهن دانش‌آموزان مدارس القاء شده بود که جمهوری اسلامی حرف حساب ندارد و جز قتل و خونریزی هیچ چیزی نمی‌فهمد. نه تنها ارگانهای نظامی و انتظامی حکومت اهل قتل و خونریزی هستند که اصلاً نظام بر این اساس استوار شده است. حتی کسانی هم که در آموزش و پرورش کار می‌کنند معلم نیستند، اینها نظامی هستند و اسلحه بر کمر می‌بندند تا هر کس کوچکترین اعتراضی کند او را

مدتی مدارس راهنمایی و در اوایل پاییز دبیرستانها نیز بازگشایی شدند.

بنده برای اینکه بتوانم برنامه‌های امورتربیتی آن دوران را برای شما عرض کنم، لازم است فضای اجتماعی آنروز کردستان را برای شما ترسیم نمایم. در فضای آنروز استان، مهمترین مسئله تثبیت امور بود. یعنی اینکه مدرسه‌ای دایر شود، معلم سرکلاس برود و تظاهراتی صورت نگیرد. در ماههای اول شروع کار که اصلاً اداره مدارس و مهارت‌دانش‌آموزان در حیطه قدرت ما نبود و ما مجبور بودیم با کمک مستقیم نیروهای نظامی و انتظامی مدارس خویش را مهار کنیم. البته اینکه چه مسائلی بر این استان گذشت تا چنین فضایی ایجاد شد



\* شاید بتوان ادعا کرد سرودی را که ما راجع به جنایت رژیم عراق در حلبچه به زبان گردی داریم، بهیچوجه در مقایسه با سرودهایی که راجع به حلبچه گفته شده است، همتا ندارد.

محروم به شهرهای محروم نیز سری بزنند، و از اینکه فرصتی بدست آمد تا روند کار را شرح دهیم و مشکلات را نیز عرض نمایم، شکر و سپاس داریم.

امورتربیتی استان کردستان از جهت زمانی دو سال دیرتر از امورتربیتی سایر نقاط متولد شده است. یعنی تاریخ شروع فعالیت امورتربیتی استان ما به آخر خردادماه سال ۶۱ بازمی‌گردد.

در راستای اهداف جمهوری اسلامی که قصد داشت کردستان را از لوث وجود گروهکها و اشرار مسلح و وابستگان به استکبار جهانی پاکسازی نماید، فریب به یکسال و اندی پس از شروع این پاکسازی‌ها شهید زنده‌یاد رجائی هشتی را جهت

راه‌اندازی آموزش و پرورش استان کردستان راهی این منطقه نمود. این هیئت علاوه بر مسئولیت اصلی خود که راه‌اندازی آموزش و پرورش بود بایستی امورتربیتی را نیز فعال می‌نمود.

با هماهنگی‌های فراوانی که بین همه مسئولین استان بعمل آمد و تدابیری که در این زمینه اندیشیده شد و همچنین با پاکسازی‌هایی که در آموزش و پرورش صورت گرفت، این زمینه ایجاد شد که در اول مهرماه سال ۵۹ در استان کردستان مدارس ابتدایی بازگشایی شود. پس از

بکشند. این ذهنیت دانش آموز مبنای تنظیم رابطه اونسبت به مربی خویش به حساب می آید.

البته ما این مطلب را تجربه کرده بودیم که برای برخورد با القائنات و شبهات باید از طریق غیر مستقیم مدد جست.

نکته دیگری را که لازم است بعنوان یکی دیگر از محورهای بحث مطرح کنم این است که در آن روزها دشمنان انقلاب و اسلام آنقدر فضا را تیره و آلوده کرده بودند که یاران و دوستان نیز به یکدیگر همچون بیگانگان نگاه می کردند. برادران و خواهرانی که از سایر استانها به کردستان آمده بودند، نسبت به بومی های منطقه کاملاً بی اعتماد بودند و با خود گمان می کردند که این مردم یا کومله هستند یا دموکرات!! و دیگر چیزی بین این دو وجود ندارد. این نگرش که نوعی بی اعتمادی را تدارک می کرد و باعث می شد که مسئولین نتوانند از نیروهای متعهد و مخلص منطقه استفاده کنند، علاوه فضای ترور و رعبی را که ضد انقلاب ایجاد کرده بود دست بدست یکدیگر داده و با وجود القائنات شدید با مردم ساده و خوب کردستان را مسئله دار کرده و با اینکه آنان را مرعوب نموده بودند. لذا ارتباط با جامعه یکی از محورهای فعالیت قرار گرفت که به هر شکل ما باید این سد را بشکنیم و این حصار را از میان برداریم. شاید این نکته جالب باشد که شما بدانید قبلاً در حدرا ننده نیز احتیاط می شد که از مردم بومی و اهل منطقه استفاده نشود. در اینجا مجال بحث وجود دارد که بدانیم چه کسانی دست به دست هم داده بودند تا اینقدر جامعه و ملت ما را نسبت به مردم کردستان بدبین نموده و از کردستان چهره زشت و کربهی به جامعه عرضه دارند. به هر تقدیر مریبان با توجه به این دو محور وارد مدرسه شدند:

۱ - فعالیت فرهنگی و تربیتی

۲ - دید واقع بینانه نسبت به جامعه.

البته مطالبی را که اکنون عرض می کنم در آن دوران بدین وضوح مطرح نبود بلکه بسیار رفیق و ابتدائی مطرح می شد و بتدریج

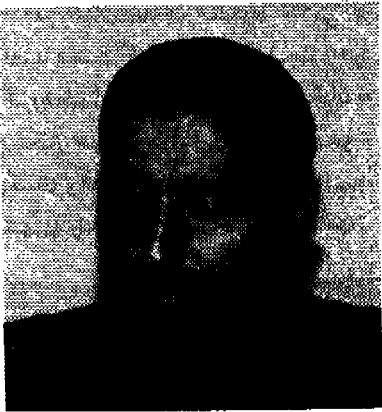
با گذشت ایام جامعتر و گسترده تر می گشت، بطوری که ما در سال ۶۴-۶۵ این اصول را بعنوان محورهای اصولی کار و ارکان فعالیت های خود رسماً در همه جا اعلام کردیم و امروز این مسائل از اصول لا بتغیر و واقعی ماست. البته تذکر این مطلب ضروری است که وضعیت مطلوب کنونی ما محصول تلاشها و کوششهای دوستان ماست که به کمک یکدیگر در همه مسائل - از مسائل جزئی تا مشکلات اساسی - از نماینده محترم حضرت امام رهنمود می گرفتیم. و در ضمن مشورت با مسئولین دیگر استان آخرین مظهر تأیید را از نماینده امام می گرفتیم. که دیگر جای خدشه و مناقشه ای باقی نماند. زیرا امام در نامه ای که به نماینده خود حجة الاسلام موسوی نوشته بودند با صراحت فرموده بودند که در مسائل مذهبی و فرهنگی [اگر اشتباهی در تعبیر باشد از من است] حتماً با ایشان هماهنگی شود. بهرحال ما در بررسی کردستان می بینیم که این استان از دو ویژگی خاص نسبت به سایر استانها برخوردار است. این دو ویژگی عبارتند از:

۱ - نوع خاصی از روحیه ملیت گرایی: البته، این مفهوم را باید از مفهوم ناسیونالیسم غربی که در مکاتب مختلف مطرح شده

**\* مبنای تنظیم ارتباط ما با مردم کردستان انصاف است. اگر مبنای کار بر انصاف نباشد مودت و دوستی ببار نخواهد آورد و کار ریشه نخواهد یافت.**

جدا دانست و این روحیه ملیت گرایی با آن طرز تفکر ناسیونالیسم غربی کاملاً فاصله دارد که درک این فاصله نیز بسیار مشکل است. بهر صورت در اینجا ملتی وجود دارد که از فرهنگ و آداب و رسوم و عادات ویژه ای برخوردارند. بعضی از این آداب و رسوم و خصوصیات فرهنگی با نقاط دیگر مشترک است، بعضی نیز مختص خود ایشان است که از جمله این جلوه ها می توان پوشش و لباس و زبان و آداب و رسوم را نام برد.

ما بعنوان مسئولین یک ارگان فرهنگی رسیدگی به این روحیه را در دستور کار خود قرار دادیم که آیا آن را حذف کنیم، جذب کنیم، قبول و یا رد کنیم یا سیاسی بازی در آوریم؟ راه برخورد چیست؟ رسیدگی به روحیات ملت گرد و برخورد معقول با آن جزء رئوس برنامه های ما قرار گرفت که در این باره سخن خواهیم گفت.



۲ - مذهب اهل تسنن: اهالی کردستان بجز مردم قروه و بیجار که غالباً شیعه هستند بقیه از برادران و خواهران اهل سنت می باشند که از مذهب شافعی تبعیت می کنند. ما این مسئله را نیز در دستور کار خود قرار دادیم که بالاخره ما بعنوان یک سیستم فرهنگی نمی توانیم نسبت به این مطلب مهم سخن روشن و حرف اساسی نداشته باشیم. و این جریان را به مرور ایام بسپاریم و آن را رها ننماییم.

ما در بررسی روحیه یک ملت بعنوان ملت کردستان به این نتیجه رسیدیم که این روحیه در بطن خود نه تعارضی با اسلام دارد و نه تعارضی با انقلاب اسلامی. بر خلاف آنچه دشمنان به دروغ و خدعه وانمود می کنند که این روحیه با انقلاب سازگار نیست و به قول آنان جمع ضدین محال است.

ما در نتیجه کساوش های موشکافانه خود به این نتیجه دست یافتیم که فضای این فرهنگ می تواند تداعی کننده انعکاس ارزش های اسلامی در ملت گرد باشد. یعنی ما بجای اینکه برخورد انفعالی کنیم و بگوییم هیچکس نباید با زبان بومی حرف

بزند و نشر و ترویج این زبان را کنترل کنیم زبان کردی را استخدام کرده‌ایم برای نشر فرهنگ انقلاب و اسلام. زیرا این زبان علاوه بر مقبولیت خاصی که در این استان دارد زبان زیبایی برای جامعه ماست. ملت ایران افتخار می‌کند که در این استان ملتی باشد که به زبان اوارزشهای انقلاب و اسلام تقدیس شود. شاید بتوان ادعا کرد که سرودی را که ما راجع به جنایت رژیم عراق در حلبچه به زبان کردی داریم، بهیچوجه در مقایسه با سرودهایی که راجع به حلبچه گفته شده است، همنا ندارد. چرا ما از زبانی که به راحتی می‌تواند زیبا و روان اینگونه جنایت صدام را برای دنیا تفسیر نماید و هم برای مردم گوردستان وهم برای سایر ملل بسیار شیرین و دلپذیر باشد بنفع انقلاب و اسلام استفاده ننماییم.

نتیجه این تلاشها به طرز تفکری انجامید که روحیات و فرهنگ و حتی مذهب اهل تسنن نه تنها تعارضی با انقلاب و اسلام ندارد که می‌تواند بستری باشد که ارزشهای حکومت اسلامی در آن رشد کند و نمو یابد. یعنی برخورد خود را از حالت منفعل به سبک فعال و پویا تغییر دادیم. پس از شناخت این ویژگیها و خصوصیات ملت گورد ما مبنای تنظیم رابطه خود را با آنان بر دو محور اساسی قرار دادیم.

۱- وضوح

۲- انصاف

وضوح در برخورد از اساسی ترین اصول ما در برنامه ریزها بود. ما بایستی سخن خود را در پرده ابهام بیان نکنیم. وقتی حرفها مبهم شد افراد به ما اعتماد نخواهند کرد و به علاوه راه سوءاستفاده را برای دشمنان خویش هموار نموده‌ایم. فعالیت فرهنگی اقتضای ابهام ندارد، زیرا اینگونه فعالیتها بالاخره روزی باید آشکار شود، بگذار آن روز، همین روزاؤل باشد. ما به وضوح در برنامه های تربیتی بسیار معتقدیم و به نتایج سودمند آن نیز دست یافته ایم.

دومین مبنای تنظیم ارتباط ما با مردم گوردستان انصاف است. اگر مبنای کاربر

انصاف نباشد مودت و دوستی بیار نخواهد آورد و کارریشه نخواهد یافت. انصاف محور روشنی است و آن عبارتست از برخورد متقابل دو نفر به گونه ای که اگر جای آنان را با یکدیگر عوض کنند، همان نوع رابطه صادق باشد.

ما بر مبنای این دو اصل برنامه های خویش را تدارک دیدیم و آنگاه که جمله معروف شهید بهشتی را در این ارتباط دیدیم بر استحکام برادری خویش با ملت گورد

**\* هم اکنون در یک جمع بندی کلی بیش از ۷۰٪ از مریبان و کادر ما بومی هستند و این تعداد در سال آینده به مرز بالای ۹۰٪ خواهد رسید.**

افزودیم: «آهنگ کار ما با اهل سنت نباید به گونه ای باشد که برادری ما را خدشه دار کند.»

جمهوری اسلامی، انقلابی است که چتر ارزشهایش از اهل سنت و شیعه فراتر می رود و بر سرلامذهب های دنیا نیز گسترده می شود. این انقلاب محصور دیدگاه خاصی نیست و برخلاف آنچه کیسینجر - صهیونیست معروف - مطرح کرده بود که ایران باید رنگ شیعی به انقلاب خود بدهد و به عنوان یک انقلاب مذهبی در چارچوب تشیع قرارش دهد، ما هرگز انقلاب را محصور به مذهب خاصی نمی کنیم.

البته این انقلاب خاستگاه تشیع است یعنی بیشترین ریشه این انقلاب در مذهب تشیع است اما این طور نیست که پیروان سایر مذاهب این کشور در ایجاد و رشد و شکوفایی این انقلاب نقش نداشته و یا ارزشهای انقلاب محصور در تشیع باشد. خیر؛ هم دیگران در این انقلاب نقش مفید و مؤثر داشته اند و هم ارزشهای تکاملی این انقلاب از مرز مسلمانان فراتر رفته است.

با طرح این عنوان سئوالی مطرح می شود که آیا در اهل سنت مانعی وجود دارد که از انقلاب و ارزشهای آن دفاع کنند یا خیر؟

بدین معنی که آیا اهل سنت بلاصالة و فی نفسه می توانند از جمهوری اسلامی و انقلاب حمایت کنند یا برای دفاع از اسلام و انقلاب باید از مذهب خویش دست بردارند؟ این بحث مکرر مطرح شده و همیشه نتیجه این بوده است که هیچگاه دفاع از امام و جمهوری اسلامی برای اهل سنت مشکل و ناممکن نبوده بلکه آنان در موارد ضروری به طور جدی از ارزشهای انقلاب خویش دفاع کرده اند و امام را به عنوان رهبری عادل و جامع شرایط پذیرفته و از جمهوری اسلامی به مفهوم خاستگاه ارزشهای اسلام ناب محمدی حمایت کرده اند. من می توانم به صراحت ادعا کنم که دیگر آن فضای تیره و تلخ بیگانگی که بر زوایای این استان حکمفرما بود وجود ندارد و امروز ما در همه سطوح دوستان خوبی از برادران اهل سنت داریم که همراه با شیعیان فعالیت می کنند. اکنون در دبستانها، مدارس راهنمایی و دبیرستانها، مریبان بومی و غیر بومی در کنار یکدیگر کار می کنند و برادران و خواهران بومی که امروز امور تربیتی ما را فعال می کنند با مریبان مهاجری که از سایر استانها بدینجا آمده اند تعارضی ندارند. چارچوب کاریکی است. نه مری شیعه برای کار کردن در این چارچوب مجبور است دست از تشیع بردارد و نه برادران و خواهران اهل تسنن برای معرفی اسلام و ارزشهای انقلابی مجبورند دست از عقاید خویش بردارند. ما قصد داریم در تمام سطوح از افراد بومی استفاده کنیم و همچنین در آینده نزدیک تعداد مریبان بومی استان را به حد قابل توجهی افزایش دهیم. هم اکنون در یک جمع بندی کلی بیش از ۷۰٪ از مریبان و کادر ما بومی هستند و این تعداد در سال آینده به مرز بالای ۹۰٪ خواهد رسید. و امید ما این است که برادران و خواهران بومی در این سرزمین سربازانی با وفا برای حشر و نشر پیام انقلاب اسلامی در دنیا باشند و بتوانیم این واقعیت را به جهان نشان دهیم که مدافعان انقلاب اسلامی قشر خاصی نیستند بلکه همه کسانی هستند که روبه سوی حق دارند و دل به خدا سپرده اند و از ارزشهای وجدانی حمایت می نمایند. \*